

گفتار

۲بال پرواز روزنامه‌نگاران



مهدی فرحانی

● روزنامه‌نگار حرفه‌ای دوبال پرواز دارد؛ اولی، حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و دومی مسئولیت اجتماعی آنان است. درباره حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، این ضرورت وجود دارد که قوانینی برای تبیین و تثبیت حقوق حرفه‌ای آنها شکل گرفته باشد که این حقوق طیف‌های وسیعی دارد که مهم‌ترین آن، دسترسی، جمع‌آوری و آزادانه‌منتشرکردن اطلاعات و حق عدم افشای منابع خبری است. همین‌طور حق برخورداری از فضای مطلوب و آزادی و حق برخورداری از استقلال حرفه‌ای و امنیت شغلی است. در شرایطی که این حقوق تامین باشد، روزنامه‌نگاران می‌توانند پاسخگوی مسئولیت اجتماعی خود باشند و در برابر صحت و دقت اطلاعات و رعایت اصل امانتداری و رعایت منافع ملی و امنیت آن پاسخگوی عملکرد خودشان باشند. ما باید روزنامه‌نگاری را بیش از آنکه یک شغل اقتصادی باشد، یک مسئولیت اجتماعی و خدمت عمومی تلقی کنیم؛ تلاشی که روزنامه‌نگاران در جهت منافع ملی و توسعه کشور و بهبود زندگی بشر و شهروندان و دفاع از حقوق شهروندی و مواردی از این قبیل انجام می‌دهند و همه اینها منجر به رعایت اخلاق حرفه‌ای روزنگاری در کشورمان می‌شود. ما با آنکه حدود ۱۸ سال از انتشار اولین روزنامه در ایران می‌گذرد اما هنوز دارای میثاق اخلاق حرفه‌ای مدون نیستیم که مورد پذیرش جامعه روزنامه‌نگاری ایران باشد. در حالی که این ضرورت است و میثاق اخلاق حرفه‌ای باعث پاسداری از حریم و حرمت روزنامه‌نگاری و سلامت حرفه‌ای و اعتماد عمومی به روزنامه‌نگاری و زمینه‌ساز ارتقای شغلی‌شان خواهد شد. این ساختار حرفه‌ای باید در کشورمان شکل بگیرد و باید هم مسئولان ذی‌ربط و هم روزنامه‌نگاران دست به دست دهند که چنین شود. همچنین در کنارش امکان شکل‌گیری انجمن‌های صنفی و مستقل اجتناب‌ناپذیر است و باید این تشکل‌های صنفی برخوردار از حقوق و آزادی‌های لازم برای روزنامه‌نگاران باشند که از آن طرف هم بر اصول اخلاقی حرفه‌ای آنها نظارتی وجود داشته باشد. تا این ساختارها در زمینه روزنامه‌نگاری شکل نگیرند ما اصلا نمی‌توانیم ادعایی در زمینه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای داشته باشیم. امیدوارم شرایط حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و خبرنگاران روز به روز بهبود یابد و فضای مطلوب و مناسبی برای آنها فراهم شود.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۹۸ • ۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ • ۸ اگوست ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۹۶ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۲۲ • اذان صبح فردا ۴:۴۴ • طلوع آفتاب ۱۸:۰۶

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

آتجل بولیگان



گزارش

میهمانان «شرق» در روز خبرنگار



شرق: هر سال هفدهم مرداد مسئولان زیادی میهمان رسانه‌ها می‌شوند. روز خبرنگار حتی پای کسانی را که ارتباط گرمی با رسانه‌ها ندارند، به خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها باز می‌کند. دیروز یک روز قبل از روز خبرنگار، «شرق» هم میزبان چند نفر از مسئولان کشور بود. از محمدرضا عارف رئیس فراکسیون امید گرفته تا ارشاد و وزیر جوان ارتباطات که البته میهمان سرزده «شرق» بود. محمد خدادی معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد و وزیر جوان ارتباطات که البته میهمان سرزده «شرق» بود. محمد خدادی معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد اولین میهمان بود که حوالی ظهر آمد. دغدغه اصلی این روزهای مطبوعات یعنی کاغذ محور صحبت‌ها شد. او دیروز در «ایسنا» نیز گفت خط قرمز من حرمت رسانه است و برای همین هم محکم می‌گویم که ما خبرنگار و رسانه فاسد و رانت‌خوار نداریم. هنوز خدادی «شرق» را ترک نکرده بود که محمدرضا عارف رسید. رئیس فراکسیون امید



همان‌طور که خودش می‌گفت برای گفتن «خسته نباشید و خدا قوت» به خبرنگاران و فعالان این حوزه آمده بود.

در این بین گفت‌وگویی که پیش‌تر تنظیم شده بود نیز انجام شد و عارف در آن به چند موضوع از جمله عملکرد دولت، مجلس و سیاست مواجهه با انتخابات آتی پرداخت. عارف همان‌طور که اخیراً نیز گفته بود از مشارکت همه‌جانبه اصلاح‌طلبان و اجماع در این رویکرد برای انتخابات آتی صحبت کرد. مشروح این

روز خبرنگار

صدای ناشنیده روزنامه‌نگاری امروز



گیسو فغفوری

شغلی، عده زیادی از بزرگان روزنامه‌نگاری‌مان در خانه نشسته‌اند، بسیاری از روزنامه‌نگاران توانا و مستقل از تحریریه رفته‌اند، مطالبات‌مان را بیان کردیم، برای احقاقش قدم برداشتیم و بی‌عمل نبودیم.

هر حرفه‌ای و هر شغلی نیاز دارد جایی باشد که در صورت به‌وجودآمدن مشکل، بازداشت، بیماری و... بتواند به آنجا رجوع کند. انجمن صنفی تهران در تلاش است تا این وظیفه را انجام دهد؛ اما هنگامی که نوبت به رایزنی با مسئولان بالادست می‌رسد، گوش شنوا و دستان همراهی پیدا نمی‌کند.

● برخی نگاه‌ها سبب می‌شود تا همکارمان مرضیه امیری وقتی برای پوشش خبری در جمع کارگران حضور پیدا می‌کند، صد روز از بازداشتش بگذرد. گاهی فراموش می‌شود سخت‌افزار بر چگونگی فعالیت حرفه‌ای تأثیر دارد، وقتی مشکل کمبود کاغذ پیش می‌آید، ترس و ناامنی بر تحریریه حاکم می‌شود، ناخودآگاه سانسور درونی‌مان قوی‌تر می‌شود.

● درحال‌حاضر از چند طریق امکان دسترسی به اخبار وجود دارد؛ هم ماهواره، هم شبکه‌های اجتماعی. هر دو معیارهایی غیر از درستی در انتشار اخبار را مدنظر قرار می‌دهند؛ خبری که امنیت ایران را و تمامیت ارضی کشور را خدشه‌دار کند. همین وظیفه روزنامه‌نگاران رسانه‌های ایران را دشوارتر می‌کند.

● قرار نیست خبری پنهان شود؛ به‌ویژه اگر صحبت از فساد باشد یا بودجه‌هایی که درست استفاده نشده‌اند، اگر شفافیت و دسترسی به اطلاعات آزاد در هر شرایطی فراهم باشد، فرصت از باجنوزها گرفته می‌شود.

● مشکلات معیشت، بیمه، قوانین کار، سقف دستمزد، رابطه بین کارفرما و خبرنگار و همه این مسائل در مقطعی حل و در مقطعی اسباب مشکل شده است.

● آیا به دلیل نبود اعتماد به رسانه‌های مکتوب است که رؤسای مجریه و دیگر رؤسا با رسانه‌ها گفت‌وگو انجام نمی‌دهند و فقط منتظر دوربین صدوسیما می‌مانند؟ این سؤالی است که هر بار و هر سال و هر چند وقت یک بار مطرح می‌کنیم و جوابی برای این بی‌اعتنایی پیدا نمی‌شود.

● سالی دیگر گذشت و روز خبرنگار آمد. فقط می‌توان آرزو کرد که شاید روزهای بعدتر آزادی بیان و امنیت بیشتر و سانسور کمتر باشد. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران کشوده شود و ...

سلام به فردا

با کوله‌بار عشق در کوره‌راه روزنامه‌نگاری



مینو بدیعی

همه چیز با کلام آهنگین پدر آغاز شد. او که شیفته مطالعه روزنامه بود، روزی مانند یک مرشد و راهنما به من گفت: بخوان. خردسال بودم و با واژه‌ها، کلمات و عبارت‌های بسیار بیگانه، هنوز ندایم آن‌قدر بچگانه بود که از داستان «اليس در سرزمین عجایب»، «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب»، «کپهان بچه‌ها»، «جان خلبان بی‌پاک» و... بالاتر نمی‌رفت. اما پدر می‌خواست مرا با روزنامه آشنا کند و با سخت‌ترین کلمات که در آن دنیای کودکی، ابعاد بزرگ‌زیستن پدر بود و اندازه کوچک من و... خواندم: نخست‌وزیر انگلیس گفت: ... چه گفت؟ نماینده ایران در سازمان ملل خاطرنشان کرد و بعد صفحات اجتماعی، حوادث، گزارش مقالات و گزارش‌های اقتصادی و مسائل بین‌الملل و ... هیچ نمی‌فهمیدم. گاهی کلمات را آن‌قدر نادرست می‌گفتم که پدرم قهقهه می‌خندید و مادرم عجیب و شگفت‌آور صفحه حوادث روزنامه را دوست داشت و خود روزنامه را و... بعد از ظهر که می‌شد دم‌دمای غروب صدای بلند روزنامه‌فروش دوره‌گرد که با دوچرخه می‌آمد، در کوچه طنین می‌انداخت و چه پژواک آشنایی «کپهان» و «اطلاعات». اما این روزنامه‌فروش طنز خاصی داشت که داد می‌زد «شدگان اطلاعات» و تو در عالم کودکی باید حدس می‌زدی که «شدگان» چه بود. مجروح‌شدگان، گشته‌شدگان و داستان عجیبی بود این داستان روزنامه در خانواده پدری... نویسنده مورد علاقه پدر عبدالرحمن فرامری بود که بعدها دانستم سردبیر اولیه کپهان بوده است و چه ثنری داشت. من دانش‌آموز کلاس سوم دبستان هم حرف‌های اجتماعی و تند و تیز او را در انتقاد در مسائل گوناگون اجتماعی و گاه هنر و ادبیات و شعر درک می‌کردم. اما چه زود پدر رفت؛ در زمانی که باید می‌فهمیدی که دنیا دست کیست؟ بی‌گمان دنیا دست روزنامه‌نگاران و خبرنگاران بود و این را در دوره نوجوانی فهمیدی و بعد از آن آنکه آثار دشوار به نسبت سنت را از جک لندن خواندی و دریافتی که جک لندن قبل از اینکه نویسنده باشد، یک خبرنگار و روزنامه‌نگار بوده است. زمانی که در دوره جوانی اثر تأثیرگذار «پاشنه آهنین» را از جک لندن خواندی، فهمیدی روزنامه‌نگاران با نگاهی متفاوت‌تر و اصلا کاملاً شاید با صدوشتاد درجه اختلاف با مردم عادی، جهان را می‌بینند و تفسیر می‌کنند. رمان تکان‌دهنده «خوشه‌های خشم» اثر جان اشتاین‌بک که او هم یک گزارشگر درجه یک مطبوعات بود، دوران جوانی تو را کامل‌تر کرده و به‌نگاه به تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری علاقه‌مند شدی و این بار در کنار ارویانا فلاچی که روزنامه‌نگاری پرتوان بود، آثار تکان‌دهنده امیل زولا، گزارش‌نویس و نویسنده بزرگ کتاب «ژرمینال» تو را تکان داد. در درس گزارش‌نویسی در دانشکده که هنوز هم بعد از سال‌های طولانی شیفته و حتی می‌توان گفت عاشق آن هستی، یاد گرفتی گابریل گارسیا مارکز بزرگ‌ترین نویسنده آمریکای لاتین با نثر رئالیسم جادویی‌اش در کتاب «صد سال تهایی»، یکی از بزرگ‌ترین گزارش‌نویسان قرن بوده است و تو شیفته نوشتن. روزهایی که برای نوشتن درهای مردم به عنوان گزارشگر اجتماعی به خیابان‌ها می‌رفتی، تقریباً ۶۰ درصد حرف‌های مردمی را دچار اتوسانسور می‌کردی و به چه راضی بودی؟

انگار بعضی اوقات، روح شیفته پدر را می‌دیدي که سرزنشت می‌کرد و می‌گفت: «نخست روزنامه‌خواندن را یاد بگیر».

● امروز به خود می‌گوئی «کدام روزنامه؟» ۱۷ مرداد روز خبرنگار است و مکان مقدس تحریریه روزنامه برای نسل تو در هم ریخته است؛ نسلی که عشق بی‌حاصل به روزنامه‌نگاری داشت. نسلی که خاک تحریریه را مقدس می‌خواند و اکنون کدام تحریریه و کدام آدم‌ها و کدام خبرنگار و ...

به خود می‌گوئی: چه چیز را باید جشن بگیریم؟

آزادگی‌مان را، ایستادگی‌مان را در برابر سانسور، فریادریختن ترس‌مان در برابر «اتوسانسور»، خبرنگاران امروز هم که نسل‌های تازه پیشگامان قلم و پیشاهنگان آزادگی بوده و هستند برای مقابله با «سانسور» و «خودسانسوری» تلاش‌ها کردند و می‌کنند اما شورش‌خانه باید گفت مطبوعات امروز از مشکلات گوناگونی رنج می‌برند. کمبود کاغذ، گاهی حضور «ناروزنامه‌نگاران»، دادن بارانه‌های دولتی در مورد انتشار روزنامه و نشریه به کسانی که اصلا هویت روزنامه‌نگاری ندارند، فضای مطبوعات امروز را مخدوش کرده و تیراز پایین مطبوعات بر مسائل دامن زده است. بنابراین باید گفت رسالت و مسئولیت خبرنگاران امروز بیشتر شده است.

شهر خالیست ز عشاق و بود کز طرفی مردی از خویش برون آید و کاری بکند.